



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسینی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاستگذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
 مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
 علی زارعی جلال آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکدی‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرس
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل افشان
 مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham

مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام

Ahmadreza Soltanian

Master's student in Public Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran

احمدرضا سلطانیان
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
soltaniana18@gmail.com

Abstract

The public interest is one of the most fundamental concepts in public law, and its importance can be regarded as comparable to that of freedom of will in private law. However, thinkers and scholars have long presented diverse interpretations of this concept. The discourse on the very nature of public interest appears inexhaustible, as it seems impossible to arrive at a single, universally accepted definition. Nevertheless, efforts to reduce the conceptual ambiguity and to explore the diverse interpretations of public interest provide us with a deeper understanding of this notion. This Research Using library resources in a descriptive-analytical method first examines the historical evolution of the concept of public interest and explains how it evolved from the idea of the common good and eventually replaced it in modern thought. then analyzes the major theoretical perspectives on the subject and briefly presents the diverse views of different schools of thought regarding the concept of public interest. It proceeds to discuss John Stuart Mill's utilitarianism, clarifying its distinctions from Jeremy Bentham's version of utilitarianism, which has been more extensively addressed in legal literature. Finally, the paper argues that Mill's interpretation of utilitarianism, with its emphasis on the quality of pleasures, moral development, and respect for individual rights, can provide a theoretical foundation for a more balanced understanding of the concept of public interest in contemporary legal systems, particularly in societies where individual rights and freedoms are sometimes violated in the name of public interest.

Keywords: Public Interest, Utilitarianism, Public Rights, Individual Freedom Rights.

چکیده

منفعت عمومی یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیم حقوق عمومی است که می‌توان اهمیت آن را هم‌تراز با اهمیت آزادی اراده در حقوق خصوصی دانست. با این حال، از دیرباز اندیشمندان و فرهیختگان برداشت‌های گوناگونی از این مفهوم ارائه کرده‌اند. البته این بحث‌ها درباره چستی منفعت عمومی پایان‌ناپذیر است و گویی نمی‌توان به یک برداشت واحد از این مفهوم رسید. با این حال، تلاش برای کاستن از ابهام معنایی و آوازی خوانش‌های متفاوت از منفعت عمومی به ما درک بهتری از این مفهوم می‌دهد. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی، نخست سیر تاریخی شکل‌گیری مفهوم منفعت عمومی را بررسی کرده و توضیح می‌دهد چگونه از دل مفهوم خیر عمومی، مفهوم منفعت عمومی شکل گرفت و در دوران معاصر جایگزین مفهوم خیر عمومی گردید. سپس مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح در این زمینه را تحلیل می‌کند و نظرات متنوع مکاتب مختلف درباره منفعت عمومی را به شکل کوتاه مطرح می‌کند. سپس فایده‌گرایی جان استوارت میل را بیان می‌کند و تمایز آن با فایده‌گرایی جرمی بنتام را تبیین می‌کند و در نهایت خوانشی از منفعت عمومی بر اساس فایده‌گرایی جان استوارت میل ارائه می‌دهد. در نهایت، پژوهش استدلال می‌کند که خوانش میل از فایده‌گرایی، به سبب تأکید بر کیفیت لذت‌ها، رشد اخلاقی انسان و رعایت حقوق فردی می‌تواند مبنایی نظری برای تفسیر متعادل‌تر مفهوم منفعت عمومی در نظام‌های حقوقی معاصر باشد؛ به‌ویژه در جوامعی که در آن‌ها گاه به نام منفعت عمومی حقوق و آزادی‌های فردی نقض می‌شود.

واژگان کلیدی: منفعت عمومی، فایده‌گرایی، حقوق عمومی، حقوق آزادی فردی.

Received: 2025/10/18 - Review: 2025/10/27 - Accepted: 2025/12/11

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ - بررسی مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

ارجاع:

سلطانیان، احمدرضا؛ (۱۴۰۴)، مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

برداشتی که از منفعت عمومی در هر جامعه وجود دارد از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا در دنیای امروز که هدف دولت را تأمین منفعت عمومی می‌دانند (عباسی، ۱۴۰۳، ۳۴) و تمامی اعمال اجرایی، قضایی و تقنینی باید در راستای منفعت عمومی باشد؛ هر تفسیر متفاوتی از منفعت عمومی جهت و عملکرد حکمرانی را تغییر می‌دهد. بر اساس همین ضرورت است که از گذشته‌های دور بحث پیرامون چیستی منفعت عمومی مطرح بوده است و همچنان هم این بحث ادامه دارد و حاصل آن انباشتی از نظریات متفاوت و متنوع بوده است. این گوناگونی در این حد است که می‌توانیم از مکاتب مختلف در تعریف منفعت عمومی نام ببریم که هر کدام از منظر متفاوتی به این مفهوم نگریسته‌اند. با این حال، این ضرورت وجود دارد که در اندیشه حقوقی هر جامعه متناسب با شرایط و نیازهای مخصوص هر کشور تلقی منسجم و تا حد امکان واضح از این مفهوم چندلایه و پیچیده ارائه شود. زیرا امروزه منفعت عمومی شاخص ارزیابی عملکرد قوای حاکمیتی است (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۷، ۲).

در همین راستا بهره بردن از سیر تطور مفهوم منفعت عمومی در اندیشه حقوقی و تأمل در منبع غنی از نظرات مشوعی که درباره ماهیت منفعت عمومی ابراز شده است می‌تواند به خوانش‌های متناسب هر کشور از منفعت عمومی کمک کند. یکی از مهم‌ترین رویکردهایی که در مورد منفعت عمومی وجود دارد؛ رویکر فایده‌گرایی است که چهره شاخص آن جرمی بنتام است. معیار اصلی جرمی بنتام درباره منفعت

عمومی این است که منفعت عمومی از مجموع منافع تک تک اعضای جامعه حاصل می‌شود (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۰، ۹۶).

این نظر تاثیر زیادی بر اصول قانون‌نویسی و فلسفه اخلاق گذاشت. در کنار جرمی بنتام جریان فایده‌گرایی یک فیلسوف مهم دیگر هم دارد که جان استوارت میل نام دارد. وی سعی کرد مسیر بنتام را تکمیل کند. ولی برداشت او از منفعت عمومی با جرمی بنتام تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت ریشه در برداشت متفاوت هر یک از آن‌ها از فایده‌گرایی دارد. بنتام در تعریف فایده‌گرایی خود رویکردی کمی و محاسبه‌گرایانه دارد در حالی که فایده‌گرایی میل به لذات کیفی و ارزش‌های برتر هم توجه دارد. به نوعی می‌توان این طور گفت که رویکرد جان استوارت میل واقع‌بینانه‌تر از جرمی بنتام بود و به واقعیت‌های اجتماعی و ساحت رفتاری انسان نزدیک‌تر بود (کنی، ۱۴۰۳، ۲۸). به همین دلیل به نظر می‌رسد تعمق بر نظر جان استوارت میل که مبتنی بر نظریه فایده‌گرایی او می‌باشد تصویری عینی‌تر، ملموس‌تر و حتی کاربردی‌تر از مفهوم منفعت عمومی با رویکرد فایده‌گرایانه، نسبت به ایده جرمی بنتام به ما بدهد.

در ادامه به تاریخچه منفعت عمومی پرداخته می‌شود، سپس به‌طور خلاصه مهم‌ترین رویکردها به منفعت عمومی معرفی می‌شود. در مورد فایده‌گرایی بنتام توضیحات بیشتری ارائه می‌شود و سپس با دیدگاه جان استوارت میل مقایسه می‌شود و در نهایت خوانشی از منفعت عمومی بر اساس فایده‌گرایی جان استوارت میل ارائه خواهد شد. در پایان بر این موضوع تأکید خواهد شد رویکرد جان استوارت میل دارای عناصری ارزشمند است که می‌تواند یاری‌گر برخی از جوامع که انسان و حقوق فردی به اندازه کافی دارای ارزش و کرامت نیست باشد.

۱- تاریخچه مفهوم منفعت عمومی

اگر مفهوم منفعت عمومی را به‌طور عام در نظر بگیریم؛ بحث پیرامون این مفهوم به قدمت تمدن است. اما این مفهوم در ادبیات حقوقی در قرن هفدهم میلادی در انگلستان بر اثر تحول معنایی از مفهوم خیر عمومی به وجود آمد. با این که امروزه بسیاری این دو مفهوم را با مسامحه به دلیل شباهت‌هایی که دارند مترادف در نظر می‌گیرند، اما تفاوت‌های معنایی در اندیشه فلسفی، سیاسی و حقوقی بین این دو مفهوم وجود دارد. از نگاه تاریخی هم خیر عمومی ریشه در دوران باستان و نظرات افلاطون و ارسطو دارد.

درحالی که ظهور منفعت عمومی ریشه در لیبرالیسم و دنیای مدرن دارد (simm,2011,556). به عبارتی منفعت عمومی با خصوصیات معنایی اش حاصل دنیای پس از قرون وسطی است. در زمانه‌ای که مفهوم خیر عمومی پاسخگوی نیازهای آن زمان نبود با تحول تدریجی در معنا و مفهوم خیر عمومی، منفعت عمومی جایگزین اصطلاح خیر عمومی شد.

در سطور آینده تفاوت معنایی این دو مفهوم را با نگاه تاریخی بررسی خواهیم کرد. بدیهی است با توجه به قدمت بیشتر اصطلاح خیر عمومی از تعریف و تبیین خیر عمومی شروع کنیم و به این موضوع پردازیم که چه شرایطی سبب شد که منفعت عمومی جایگزین خیر عمومی شود؟

۱-۱- منفعت عمومی در دوران باستان

همان‌طور که ذکر شد مفهوم خیر عمومی ریشه در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو دارد. افلاطون در آثارش از کلمه خیر عمومی استفاده نکرده است، اما در سراسر نوشته‌هایش به وضوح دیده می‌شود که او به نوعی هدف مشترک در جامعه و سیاست باور داشته است. از نظر افلاطون بهترین نظم سیاسی آن نظمی است که انسجام اجتماعی را در محیطی از همکاری و دوستی میان گروه‌های مختلف ترویج کند؛ به گونه‌ای که هر گروه از خیر عمومی بهره‌مند شوند و در شکل‌گیری آن نقش داشته باشند. به عبارتی، افلاطون شرط تحقق خیر عمومی افراد را در برقراری عدالت در جامعه می‌داند و عنصر اصلی برقراری عدالت در جامعه از منظر افلاطون ایجاد نظم در جامعه است (simm,2011,555).

به این معنی که هر گروه در جامعه در جایگاه خود وظایف مشخص خود را انجام دهد و در کار دیگر گروه‌ها دخالت نکند. یعنی در دسته‌بندی سه‌گانه افلاطون از طبقات اجتماعی در هر جامعه اگر حکیمان حکومت کنند، نظامیان از وطن پاسداری کنند و تولیدکنندگان تولید کنند و هر طبقه نقش خود را به درستی ایفاء کند و در وظایف یکدیگر دخالت نکنند. جامعه به عدالت می‌رسد و بدین سبب خیر عمومی و سعادت تمامی افراد جامعه تحقق پیدا می‌کند.

برای فهم نظر ارسطو درباره خیر عمومی باید با نگاه وی نسبت به موجودات آشنا شویم. نگاه ارسطو به موجودات، دیدگاهی غایت‌مدار است. ارسطو معتقد است هر موجودی در جهان از گیاه گرفته تا انسان دارای هدفی مشخص است؛ که برای رسیدن به کمال خود باید به این هدف برسد. وی بر این باور است که انسان با تنهایی و انزوا نمی‌تواند به سعادت برسد بلکه انسان برای رسیدن به خوشبختی نیاز به ارتباط با

دیگران دارد. زیرا انسان موجودی اجتماعی است. در نتیجه انسان در بستر جامعه می‌تواند به سعادت و کمال خود برسد. انسان‌هایی که دارای هدف مشترک هستند اجتماعات انسانی هدف‌داری ایجاد می‌کنند^۱ و اعضای این اجتماعات برای رسیدن به هدف مشترک خود با همدیگر همکاری می‌کنند و ارتباطشان صرف اجتماع فیزیکی نیست.

به‌عنوان مثال خانواده یک گروه هدف‌مندی است که برای رسیدن به بقا و تولید مثل تلاش می‌کند یا یک شرکت تجاری، گروه انسانی هدف‌داری است که برای کسب سود اقتصادی تلاش می‌کند. شکل نهایی و عالی این اجتماعات انسانی را ارسطو دولت شهر می‌نامد^۲ که امروزه نزدیک‌ترین مفهوم به دولت شهر ارسطو مفهوم جامعه سیاسی است.

جامعه سیاسی ارسطو برای رسیدن به زندگی خوب و فضیلت‌مند بنا می‌شود. هدف این جامعه نه فقط زیستن که زیستن خوب است. شهروندان در این جامعه افرادی هستند که در حکومت کردن و فرمانبرداری مشارکت می‌کنند و این جامعه دارای نوعی نظام سیاسی^۳ است که نحوه توزیع قدرت و زندگی جمعی را تعیین می‌کند. به عبارتی جامعه سیاسی ارسطو بستری برای انسان‌ها در جهت زندگی خوب که زندگی همراه با فضیلت اخلاقی و عقلانی است فراهم می‌کند. در نتیجه، ارسطو خیر عمومی را صرفاً مجموع منافع فردی نمی‌داند بلکه شامل نظم و هماهنگی است که بین افراد و کل جامعه وجود دارد. در جامعه سیاسی ارسطو این خیر زمانی محقق می‌شود که مردم در اداره جامعه در چهارچوب نظام سیاسی مشارکت کنند (Dolan, 2018).

با مقایسه نظرات ارسطو و افلاطون درباره خیر عمومی می‌توان گفت؛ در کنار تفاوت‌هایی که در زمینه معنای خیر عمومی و شیوه رسیدن به خیر عمومی از منظر این دو اندیشمند دوران باستان وجود داشت؛ نقاط اشتراکی هم دیده می‌شد. این نقاط مشترک را می‌توان ویژگی‌های بارز مفهوم خیر عمومی در دوران باستان دانست. زیرا با این که در دوران باستان اندیشمندان دیگری هم بوده‌اند و نظراتی هم در این موضوع ابراز کرده‌اند. اما حقیقت آن است که غلبه، شهرت و تاثیر نظرات ارسطو و افلاطون درباره

۱ - ارسطو برای اشاره به این اجتماعات انسانی هدف‌دار تعبیر *koinonia* را استفاده می‌کند.

2- polis

3- politeia

مفهوم خیر عمومی به حدی است که می‌توان گفت نقاط اشتراک تحلیل این دو، پیرامون چیستی و مفهوم خیر عمومی تصویر خیر عمومی در دوران باستان را شکل می‌دهد. به همین دلیل برای این که تصویری واضح و شفاف از ماهیت خیر عمومی در دوران باستان داشته باشیم ویژگی‌های مشترک نظرات ارسطو و افلاطون را ذکر خواهیم کرد.

متوجه شدیم که افلاطون خیر عمومی را در تحقق عدالت می‌دید. عدالت از منظر افلاطون یعنی هر کس در جایگاه و طبقه خود باشد و وظیفه‌اش را انجام دهد و در وظایف دیگران دخالت نکند. در دیدگاه ارسطو خیر عمومی تحقق زندگی بافضیلت و دارای سعادت جمعی است که از طریق نوعی نظم و هماهنگی میان افراد و کل جامعه شکل می‌گیرد؛ که در بستر مشارکت شهروندان در نظام سیاسی پدید می‌آید.

اولین ویژگی مشترک در نظرات ارسطو و افلاطون این است که هر دو خیر عمومی را فراتر از منفعت فردی می‌دانند و ماهیت متمایزی برای خیر عمومی قائل هستند. ویژگی مشترک بعدی که می‌توان ذکر کرد این است که هر دو خیر عمومی را هدف غایی هر جامعه می‌دانند. سومین ویژگی خیر عمومی در دوران باستان این است که منفعت فردی انسان در گرو تلاش انسان در راستای خیر عمومی جامعه است، به عبارتی از نظر این دو اندیشمند خیر عمومی و منفعت فردی تعارضی باهمدیگر ندارند و خیر عمومی از اهمیت بیشتری نسبت به منفعت فردی برخوردار است. آخرین ویژگی خیر عمومی در دوران باستان، وجود نظم عمومی و انسجام اجتماعی در جامعه برای پدیدار شدن خیر عمومی است.

مواردی که ذکر شد را می‌توان ویژگی‌های خیر عمومی در دوران باستان دانست. در ادامه این نوشته، ویژگی‌های خیر عمومی در دوران قرون وسطی و تحولاتی که پیرامون این مفهوم در دوران قرون وسطی رخ داده است را بررسی خواهیم کرد.

۱-۲- منفعت عمومی در قرون وسطی

در قرون وسطی^۴ اندیشمندان زیادی درباره مفهوم خیر عمومی اظهارنظر کرده‌اند. با این حال با تمام تفاوت‌ها و تضادهایی که بین نظرات اندیشمندان این دوره وجود دارد می‌توان خوانشی منسجم از خیر

۴- قرون وسطی دوره‌ای تاریخی از حدود قرن پنجم تا پانزدهم میلادی است که با سقوط امپراتوری روم غربی آغاز و با رنسانس پایان یافت. این دوره با نظام فئودالی، قدرت کلیسا و تحولات فرهنگی و سیاسی در اروپا مشخص می‌شود. همچنین شاهد پیشرفت‌هایی در هنر، معماری (مانند سبک گوتیک) و شکل‌گیری هویت‌های ملی بود.

عمومی در دوران قرون وسطی ارائه کرد. در این خوانش سعی خواهیم کرد تحول معنایی که در خیر عمومی در این دوران شکل گرفت را نشان دهیم. مفهوم خیر عمومی در قرون وسطی ریشه در اندیشه اندیشمندان یونان باستان و الهیئت مسیحی دارد. در نتیجه برخی از ویژگی‌هایی که در دوران باستان وجود داشت در این دوران هم حاضر است.

مهم‌ترین ویژگی مشترک نظرات اندیشمندان دوران باستان و دوران قرون وسطی این است که خیر عمومی ماهیتی فراتر از منفعت فردی دارد. همچنین در دوران قرون وسطی مانند دوران باستان نظم عمومی و انسجام اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است و برای تحقق خیر عمومی یکی از شرایط لازم محسوب می‌شود. حتی در نظر برخی از اندیشمندان، نظم عمومی و انسجام اجتماعی بخشی از ماهیت خیر عمومی را تشکیل می‌دهند. با این حال، به تدریج دگرگونی در معنای خیر عمومی در این دوران پدیدار شد. در این زمان تضاد واقعی میان خیر عمومی و منفعت فردی پذیرفته شد. نتیجه عملی این نظر این شد که فداکردن منفعت فردی در راستای تحقق خیر عمومی وظیفه و تکلیف اخلاقی است و دنبال کردن منفعت فردی در صورت تضاد با خیر عمومی مسیر گناه است.

این در حالی است که در دوران باستان هرگونه تضاد میان این دو مفهوم تضاد ظاهری بود که از درک نادرست فرد از خیر حقیقی خود نشئت می‌گرفت. به رسمیت شناختن تضاد واقعی میان خیر عمومی و منفعت فردی در قرون وسطی ریشه در تفکرات اندیشمندانی مانند آنسلم کانتربری و پتر آبلار دارد. هرچند در ادامه دو اندیشمند بزرگ قرون وسطی یعنی آلبرت کبیر و توماس آکویناس با تاثیرپذیری از نظرات ارسطو و ترکیب این نظرات با الهیئت مسیحی به مفهوم‌پردازی نظریه نیکوکاری پرداختند و نتیجه گرفتند که منفعت فردی با خیر عمومی تضاد ندارد و تلاش برای خیر عمومی منفعت و سعادت فردی را هم در پی دارد.

آلبرت کبیر و توماس آکویناس نیکوکاری را عشقی خالص و بدون انتظار پاداش می‌دانستند که در آن، انسان هم خدا را و هم دیگران را به خاطر خودشان و نه برای منفعت شخصی خودش دوست دارد. این دو نیکوکاری را مادر همه فضایل می‌دانستند زیرا به فضایل دیگر معنا و جهت می‌دهد و انسان‌ها را به هدف نهایی یعنی پیوند با خدا رهنمون می‌کند. آن‌ها منفعت طلبی خودخواهانه را ضد اجتماعی می‌دانستند و راه رسیدن به منفعت فردی را اولویت دادن به خیر عمومی می‌دانستند. در نتیجه، منفعت فردی و خیر عمومی در تضاد نیستند و تلاش برای خیر عمومی منفعت فردی را هم در پی خواهد داشت.

همان‌طور که مشاهده کردید با این که نظرات توماس آکویناس و آلبرت کبیر نظرات آپلار و کانتربری را تعدیل کرد اما ویژگی مشخص در توضیح خیر عمومی در این دوران توجه روزافزون به خیر عمومی در این دوران بود به حدی که منفعت فردی در این دوران زیرسایه خیر عمومی قرار گرفت. با توجه به اهمیت حرکت به سوی خیر عمومی و حفظ نظم عمومی و انسجام عمومی در این مسیر، باید افراد شایسته صلاحیت تشخیص خیر عمومی را داشته باشند تا مردم در مسیر شناخت خیر عمومی گمراه نشوند و این افراد در صورت نیاز مردم را به سوی خیر عمومی راهنمایی کنند.

در قرون وسطی اندیشمندان معتقد بودند رهبران کلیسا و حاکمان شایسته‌ترین افراد برای تشخیص خیر عمومی هستند و آن‌ها باید خیر عمومی را تشخیص دهند. در نتیجه، می‌توان گفت در قرون وسطی، خیر عمومی از اهمیت بسیار بیشتر از منفعت فردی برخوردار بود و حتی منفعت فردی در گرو تحقق خیر عمومی است و صلاحیت تشخیص خیر عمومی بر عهده حاکمان و رهبران کلیسا خواهد بود تا مردم را به سوی خیر عمومی هدایت کنند (Palmén, 2024).

حاکمان و رهبران کلیسا در طول تاریخ از صلاحیت تشخیص خیر عمومی سوءاستفاده کردند و خیر خودشان را مدنظر داشتند. این موضوع باعث شد که مردم احساس کنند که مورد ظلم واقع شده‌اند. زیرا به اسم خیر عمومی منافی را که می‌توانستند کسب کنند را از دست می‌دادند و اگر منفعت خودشان را پیگیری می‌کردند و این منفعت در تعارض با منافع حاکمان بود از سوی کلیسا گناهکار شمرده می‌شدند و تحت فشار حاکمان سیاسی قرار می‌گرفتند.

این موضوع حتی در آستانه ورود اروپا به دوران جدید و پس از فروپاشی فئودالیسم قرون وسطی و ظهور پادشاهی‌های ملی بیشتر شد. زیرا خیر عمومی به‌طور فزاینده‌ای با منافع پادشاهی و اعتبار و قدرت ملت در سیاست بین‌الملل یکی شد. علاوه بر این، از این مفهوم به‌عنوان توجیهی برای خواسته‌های پادشاهی از زندگی و دارایی رعایا برای تأمین مالی ماجراجویی‌های خارجی استفاده می‌شد. این امر به‌طور طبیعی واکنش مردم را برانگیخت. در نتیجه، به تدریج مردم با نگاه منفی به خیر عمومی نگاه کردند و این کلمه دارای بار معنایی منفی شد. زیرا بهانه حاکمان برای تحقق خیر عمومی به سمت اهداف خودشان بود نه تلاش برای کسب منافع جامعه. این تحریف در معنای آموزه سنتی خیر عمومی سبب برآمدن مفهوم منفعت عمومی در قرن هفدهم میلادی در انگلستان شد. این مفهوم تأکید بیشتری روی منافع فردی انسان‌ها

و سعادت و رفاه مادی آن‌ها داشت.

با این حال، همان‌طور که در گذشته ذکر شد بحث پیرامون منفعت عمومی به قدری گسترده است که می‌توان از مکاتب مختلف که درباره چیستی منفعت عمومی بحث کرده‌اند صحبت کرد. در بخش بعد به مهم‌ترین نظرات درباره منفعت عمومی خواهیم پرداخت.

۲- منفعت عمومی در اندیشه‌های فلسفی

مکاتب مختلف فلسفی پیرامون مفهوم منفعت عمومی نظرات متفاوت و متعددی ابراز کرده‌اند. برخی از آن‌ها در وجود مفهومی به اسم منفعت عمومی تردید کرده‌اند یا این مفهوم را به‌طور کلی رد کرده‌اند. در میان این مکاتب فلسفی می‌توان به اندیشه‌های لیبرالیسم کلاسیک، مارکسیسم و اندیشه‌های پست مدرن اشاره کرد.

لیبرالیسم کلاسیک منفعت عمومی را به رسمیت نمی‌شناسد و به تنها چیزی که تأکید دارد حقوق طبیعی و فردی انسان‌ها است. به عبارتی لیبرالیسم کلاسیک سعادت انسان‌ها را فقط در پیگیری حقوق فردی و حقوق طبیعی می‌داند و نقش دولت در این زمینه فقط در حد دفاع و محافظت از حقوق و آزادی‌های فردی است. مارکسیست‌ها معتقدند جامعه بر پایه تعارض منافع طبقاتی بنا شده است و دولت سرمایه‌داری ابزاری در خدمت بورژوازی است که منافع خود را در پوشش منفعت عمومی دنبال می‌کند. به همین دلیل مفهوم منفعت عمومی را ابزاری در دست دولت سرمایه‌داری برای مشروعیت‌بخشی به نظم اجتماعی ناعادلانه می‌داند و معتقدند منفعت عمومی واقعی را فقط در جامعه بی‌طبقه می‌توان یافت.

در اندیشه پست مدرن هم جایی برای مفهوم منفعت عمومی یافت نمی‌شود زیرا جامعه را یک کل منسجم نمی‌دانند. آن‌ها بر پیچیدگی زندگی اجتماعی و پراکندگی جوامع تأکید می‌کنند. مفاهیمی مانند حقیقت و منفعت عمومی را مفاهیمی یکسان‌ساز تلقی می‌کنند که تفاوت‌ها و ناهمگونی جامعه را از نظر می‌پوشانند و معتقدند که منافع متکثر و تا حد زیادی آشتی‌ناپذیر موجود در جامعه مدرن نمی‌تواند منجر به شکل‌گیری منفعت عمومی شوند (Córdoba, 2010, 383).

این مباحث خلاصه‌ای از نظرات مکاتب فلسفی بود که با دیدگاه‌هایی متفاوت معتقد به وجود منفعت عمومی نبودند یا نگاهی تردیدآمیز به این مفهوم داشتند. در ادامه به مهم‌ترین اندیشه‌های فلسفی که قائل به منفعت عمومی هستند می‌پردازیم.

۲-۱- منفعت عمومی در مکتب فایده‌گرایی

در یک دسته‌بندی می‌توان مکاتبی که به منفعت عمومی باور دارند را به سه گروه تقسیم کرد. این سه گروه عبارتند از فایده‌گرایی، قرارداد‌گرایی و کنش ارتباطی (Córdoba, 2010, 385). در ادامه نظر هر یک از این گروه‌ها بیان خواهد شد و نگاه آن‌ها به چیستی و ماهیت منفعت عمومی تبیین خواهد شد.

مکتب فایده‌گرایی، منفعت عمومی را در بیشترین سود و رفاه جمعی تعریف می‌کند. از دیدگاه فایده‌گرایان، هر تصمیم و سیاستی زمانی موجه است که بیشترین میزان خوشبختی و کمترین رنج را برای بیشترین تعداد افراد به همراه داشته باشد. در این رویکرد، منفعت عمومی با محاسبه هزینه‌ها و فایده‌های گزینه‌های مختلف مشخص می‌شود و بهترین تصمیم آن است که بیشترین مجموع خوشبختی و رفاه را ایجاد کند. بنابراین، منفعت عمومی در فایده‌گرایی امری نتیجه‌محور و پیامد‌گرا است و نه بر پایه اصول ثابت یا حقوق ذاتی، بلکه بر اساس پیامد‌نهایی تصمیمات سنجیده می‌شود. مهم‌ترین فیلسوفان این مکتب جرمی بنتام، بنیانگذار اصلی فایده‌گرایی و جان استوارت میل که با اصلاح و تکمیل نظریات بنتام بر کیفیت لذت‌ها و آزادی فردی تأکید کرد، هستند.

با توجه به این موضوع که تمرکز اصلی این متن بر روی خوانش جان استوارت میل از منفعت عمومی می‌باشد، در بخش بعدی این پژوهش به تفصیل بیشتری منفعت عمومی از منظر بنتام و جان استوارت میل را بررسی خواهیم کرد و شباهت و تفاوت‌های نظر این دو فیلسوف را نشان خواهیم داد. که باعث می‌شود با وجود شباهت‌هایی که در نظرات این دو فیلسوف است برداشت‌های متفاوتی از منفعت عمومی بر اساس فایده‌گرایی هر کدام از این دو اندیشمند کسب کرد.

۲-۲- منفعت عمومی در مکتب قرارداد‌گرایی

از منظر قرارداد‌گرایی، منفعت عمومی نتیجه توافق یا قرارداد اجتماعی میان افراد جامعه است؛ جایی که انسان‌ها برای خروج از وضعیت طبیعی و تضمین امنیت، عدالت و همکاری قواعدی مشترک را می‌پذیرند. در این دیدگاه، منفعت عمومی نه از طبیعت انسان و نه از خواست طبقه حاکم، بلکه از توافق جمعی بر اصول عادلانه‌ی همزیستی به دست می‌آید. فیلسوفانی چون توماس هابز با تأکید بر ضرورت اقتدار مرکزی برای جلوگیری از هرج‌ومرج، جان لاک با تأکید بر حفظ حقوق طبیعی افراد در چهارچوب قرارداد و ژان

ژوک روسو با طرح مفهوم اراده عمومی به‌عنوان مبنای مشروعیت حکومت از پایه‌گذاران این اندیشه‌اند. در دوران معاصر نیز جان رالز با نظریه عدالت خود این مسیر را ادامه داد و در تلاش بود نشان دهد که منفعت عمومی بر اساس اصولی منصفانه قابل تعریف است.

اصولی که افراد عاقل و برابر در شرایطی فرضی به نام پرده جهل بر سر آن توافق می‌کنند. منظور جان رالز از پرده جهل این است که هنگام تصمیم‌گیری درباره قوانین و ساختار جامعه، افراد جایگاه واقعی خود^۵ را نمی‌دانند و این موضوع سبب می‌شود که اصولی را تعریف کنند که برای همه منصفانه و عادلانه باشد تا کسی ضرر نبیند. پیامد اعتقاد به قراردادگرایی این است که مشروعیت حکومت و سیاست‌گذاری وابسته به رضایت و توافق شهروندان تلقی می‌شود.

با این حال، این اندیشه با چالش‌هایی نیز روبرو است. از جمله این که توافق واقعی در جوامع متکثر دشوار است، گاه گروه‌های قدرتمند می‌توانند قواعد قرارداد را به نفع خود بازتعریف کنند و همچنین تکیه بر عقلانیت فرضی یا شرایط انتزاعی ممکن است از واقعیت‌های پیچیده اجتماعی فاصله داشته باشد (Córdoba, 2010, 385).

۲-۳- منفعت عمومی در مکتب کنش ارتباطی

از منظر مکتب کنش ارتباطی، منفعت عمومی از طریق گفت‌وگو و تبادل نظر میان اعضای جامعه شکل می‌گیرد، به طوری که افراد با کنار گذاشتن منافع شخصی و بدون اعمال زور، در فضایی شفاف و برابر به اجماع برسند. فیلسوف مهم این مکتب، یورگن هابرماس، بر این باور است که عقلانیت ارتباطی و بحث آزاد، مبنای تعیین منافع عمومی است و نه صرفاً تحلیل اقتصادی یا تصمیمات کارشناسان. پیامد اعتقاد به این دیدگاه این است که سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها باید فرایندی مشارکتی و دموکراتیک داشته باشند تا منافع عمومی واقعی تحقق یابد و شهروندان حس مسئولیت نسبت به تصمیمات خود پیدا کنند. با این حال، باید ذکر کرد در عمل ایجاد گفت‌وگو، فارغ از اغراض شخصی دشوار است و افراد سعی می‌کنند در نظرات و تصمیم‌گیری‌ها منافع شخصی خود را در نظر بگیرند. همچنین، ایجاد اجماع واقعی در دوران مدرن بسیار پرهزینه و زمان‌بر است و حتی در مواقعی نشدنی است. این موارد از چالش‌هایی

۵- مانند ثروت، طبقه، جنسیت یا توانایی‌ها

است که مکتب کنش ارتباطی با آن مواجه است (Córdoba, 2010, 385).

در این بخش، دیدگاه‌های فلسفی درباره مفهوم منفعت عمومی مرور شده است. ابتدا به اندیشه‌های لیبرالیسم کلاسیک، مارکسیسم و پست‌مدرنیسم پرداخته شد که یا وجود منفعت عمومی را انکار می‌کردند یا نسبت به آن دیدگاهی تردیدآمیز داشتند. سپس سه مکتب فایده‌گرایی، قرارداد‌گرایی و کنش ارتباطی بررسی شدند که هر کدام به نحوی قائل به وجود منفعت عمومی‌اند و راه دستیابی به آن را توضیح می‌دهند. تمرکز اصلی پژوهش بر مکتب فایده‌گرایی و به‌ویژه دیدگاه جان استوارت میل است. برای این منظور ابتدا فایده‌گرایی بنتام و برداشت او از منفعت عمومی توضیح داده می‌شود، سپس با مقایسه دیدگاه‌های میل و بنتام نشان داده می‌شود که میل چگونه نظریه بنتام را اصلاح و تکمیل کرده و در پایان، تبیینی مستقل از منفعت عمومی بر اساس اندیشه میل ارائه می‌شود.

۳- منفعت عمومی از منظر فایده‌گرایی جرمی بنتام

جرمی بنتام فیلسوف و حقوق‌دان انگلیسی است که به‌عنوان بنیانگذار فایده‌گرایی شناخته می‌شود. کسانی که او را خوب می‌شناختند حتی بزرگ‌ترین ستایش‌گران‌ش، قبول دارند که او شخصی بسیار یکجانبه بود. به لحاظ اندیشه قوی اما بی‌احساس بود. جان استوارت میل او را این‌طور وصف کرده است که به لحاظ اندیشه جامع و دقیق بود، اما در برابر طبیعی‌ترین احساسات انسانی بی‌تفاوت بود (کنی، ۱۴۰۳، ۲۶).

بنتام معتقد است سود، معیار تمام فضایل و منشاء عدالت است. او اصل سود را این‌گونه تفسیر می‌کرد که رفاه اکثریت شهروندان معیار قضاوت مصالح دولت است. به بیان دیگر، معیار واقعی اخلاقی بودن و هدف حقیقی قانونگذاری، بیشترین رفاه برای بیشترین تعداد است (کنی، ۱۴۰۳، ۲۲).

اصل سود یا فایده را جرمی بنتام این‌گونه تعریف می‌کند: «آن ویژگی در هر شیء که موجب می‌شود سود، منفعت، لذت، خیر یا خوشبختی ایجاد کند یا از وقوع زیان، درد، شر یا بدبختی جلوگیری نماید» (بنتام، ۱۴۰۲، ۶۵). در پرتو این تعریف، ارزش و اعتبار هر پدیده یا کنش نه به ذات آن، بلکه به پیامدهایی وابسته است که در جهت افزایش لذت یا کاهش رنج به بار می‌آورد. بنتام در ادامه می‌گوید: «مراد از اصل فایده، اصلی است که هر عمل را، بسته به این که به چه میزان به افزایش یا کاهش خوشبختی فردی که منافع او مطرح است گرایش دارد، تأیید یا رد می‌کند؛ یا به عبارتی دیگر، این که تا چه حد در

ترویج یا مخالفت با آن خوشبختی نقش دارد» (بنتام، ۱۴۰۲، ۶۶). در نهایت می‌توان آن چه را که خود بنتام اصل بنیادین می‌نامد را این گونه نوشت: «برای آن که به‌طور اخلاقی عمل کنیم، باید بیشترین لذت را برای بیشترین تعداد افراد ترویج کنیم» (بنتام، ۱۴۰۲، ۶۵).

بدین‌سان، معیار نهایی اخلاق نزد بنتام در پیوندی تنگاتنگ با لذت‌گرایی و محاسبه پیامدهای عینی کنش‌ها معنا می‌یابد. آن چه که شرح داده شد شاکله‌ای از فایده‌گرایی جرمی بنتام است که عناصر فایده‌گرایی بنتام از جمله لذت‌گرایی و پیامد‌گرایی در آن مشخص است. در ادامه با توجه به نگاه جرمی بنتام منفعت عمومی بر اساس جرمی بنتام را شرح خواهیم داد.

بنتام منفعت عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند: «منفعت عمومی جمع منافع افراد است» (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۰، ۹۷). انتقادات مهمی به این تعریف از منفعت عمومی می‌شود. شاید مشهورترین انتقادی که به این تعریف می‌شود این است که پیامد اعتقاد به این تعریف لذت‌گرایی و فرد‌گرایی افراطی است. به عبارتی منتقدان بنتام اعتقاد داشتند، بنتام فقط افراد را با امیال و لذت‌های متعارض‌شان می‌بیند و از جامعه غفلت می‌کند، این در حالی است که منافع افراد لزوماً با هم دیگر سازگار نیستند و یا بعضی از منافع‌های شخصی افراد بر ضد منافع عمومی باشد. در نتیجه، جمع منافع افراد به منفعت عمومی نمی‌رسد بلکه جامعه را به دسته‌ای از امیال ناهماهنگ تبدیل می‌کند.

البته می‌توان تفسیر دیگری هم از تعریف بنتام ارائه کرد که او را از یک فرد‌گرای افراطی به یک جمع‌گرای پوپولیست تبدیل کند. برخی معتقدند بنتام فقط به منافع پراکنده فردی فکر نمی‌کرد بلکه به منافع مشابه مردم که توسط اراده جمعی تحقق پیدا می‌کرد معتقد بود. به عبارتی مقصود بنتام از مجموع افراد، اشاره به منافع مشابهی است که می‌تواند در قالب یک اراده مشترک متحد شود. این برداشت از تعریف منفعت عمومی از منظر بنتام این خطر را دارد که تنوع و کثرت جامعه سرکوب شود و حقوق اقلیت‌ها پایمال شود. باین‌حال، برای فهم درست از برداشت بنتام از منفعت عمومی باید هر دو تفسیر را در نظر داشته باشیم و این را در نظر داشته باشیم که ابهام در اندیشه بنتام تصادفی نیست. بلکه ناشی از گستردگی از کاربرد مفهوم منفعت عمومی در آثار او است. او هم دل در گرو نظریه‌پردازی دارد هم دنبال ارائه راهکار برای اصلاح ساختار سیاسی است. این پیچیدگی باعث شده است نسل‌های مختلف، بسته به شرایط زمانه، بخش‌های متفاوتی از اندیشه او را برجسته کنند (Gunn, 1968, 398).

در کنار چالش‌هایی که می‌تواند تعریف بن‌تام از منفعت عمومی ایجاد کند، این تعریف امتیازاتی هم دارد. اولین مزیت آن تأکید بر روی منفعت فردی و حقوق افراد نسبت به گذشته است. او با این که به منافع مشترک مانند امنیت باور دارد اما همچنان این باور را دارد که انسان‌ها به مقتضای طبیعت خود باید به سمت پیگیری منفعت‌های شخصی خود بروند. او معتقد است انسان‌ها می‌توانند خیلی از منافع شخصی خود را بدون کمک دولت برآورده سازند و دولت باید تمرکزش را بر روی حوزه‌هایی بگذارد که افراد نمی‌توانند به تنهایی برآورده سازند؛ که شامل منافع مشترک است.

از نظر بن‌تام دولت چهار هدف را باید دنبال کند که عبارتند از: معیشت، فراوانی، امنیت و برابری. وی از بین این چهار هدف امنیت را از همه مهم‌تر می‌داند و امنیت را حفاظت از جان، مالکیت، شهرت و موقعیت اجتماعی می‌داند و معتقد است بدون امنیت، بقیه اهداف یا ممکن نمی‌شوند یا فقط به برابری در بدبختی ختم می‌شوند. همچنین، بن‌تام دولت‌ها را بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت می‌داند. زیرا با خرج‌های هنگفت، مالیات‌های سنگین و دادگاه‌های ناعادلانه امنیت افراد را تهدید می‌کند (Gunn, 1968, 405).

مزیت دیگر نظریه بن‌تام پیوند آن با اصلاحات دموکراتیک و بازتوزیع قدرت سیاسی است. او بر اصل درک منافع همه افراد تأکید می‌کند و معتقد است که هیچ منفعتی از افراد نباید از فرایند سیاسی حذف شود. این اصل او را به دفاع از حق رأی همگانی، برابری سیاسی و محدود کردن امتیازات اشرافی سوق می‌دهد. در این چهارچوب، منفعت عمومی نه محصول یک اراده فرآانسانی، بلکه نتیجه حضور و رقابت منافع متکثر در عرصه عمومی است. به همین دلیل، نظریه بن‌تام را می‌توان به‌عنوان پلی میان فردگرایی و دموکراسی جمعی دانست.

همچنین، بن‌تام تأکید بر هماهنگی منافع مختلف و پیشگیری از تضاد آن‌ها از طریق سازوکارهای قانونی و سیاسی دارد. وی معتقد است که منافع خصوصی وقتی به‌درستی از طریق قوانین و نهادهای سیاسی مدیریت شوند، می‌توانند به پیشبرد منفعت عمومی کمک کنند. به عبارت دیگر، منفعت عمومی نه به معنای از بین بردن یا محدود کردن منافع فردی، بلکه به معنای ایجاد بستری است که در آن منافع مختلف افراد با کمترین اصطکاک با یکدیگر پیشرفت کنند. این دیدگاه امکان طراحی سیاست‌ها و قوانین متوازن را فراهم می‌کند که ضمن احترام به حقوق فردی، از تضادهای اجتماعی و سیاسی پیشگیری می‌کند (Gunn, 1968, 408).

با نگاهی کلی به اندیشه جرمی بنتام متوجه شدیم که با توجه به اصل فایده بنتام که رویکردی پیامد‌گرایانه داشت و پرهیز بنتام از عبارات انتزاعی، وی درصدد بود که منفعت عمومی را عبارتی عینی و ملموس کند. در عین حال، بعضی از تعریف وی تفسیری جمع‌گرایانه ارائه کردند. در این متن نشان دادیم می‌توانیم تفسیری میان این دو تفسیر ارائه‌دهیم که چهره بنتام نه یک فرد‌گرای افراطی باشد نه یک پوپولیست که اندیشه‌اش به دیکتاتوری اکثریت منجر شود. در نهایت، می‌توان میراث تعریف بنتام از منفعت عمومی را تأکید بر حفظ حقوق فردی افراد و حمایت از رای همگانی و اصلاح بازتوزیع قدرت سیاسی دانست. در بخش بعدی به فایده‌گرایی جان استوارت میل و منفعت عمومی از منظر وی خواهیم پرداخت.

۴- منفعت عمومی از منظر فایده‌گرایی جان استوارت میل

در این بخش ابتدا فایده‌گرایی جان استوارت میل را تبیین می‌کنیم و با فایده‌گرایی بنتام مقایسه می‌کنیم و در نهایت خوانشی از منفعت عمومی بر اساس فایده‌گرایی میل ارائه خواهیم داد. جان استوارت میل فایده‌گرایی را بر پایه اصل بیشترین خوشبختی بنا می‌کند. منظور از خوشبختی از منظر جان استوارت میل، لذت و نبود رنج است و این لذت و نبود رنج تنها چیزهایی هستند که به‌عنوان غایت، مطلوب‌اند؛ به عبارتی در زندگی اموری مطلوب‌اند که در آن‌ها یا لذتی وجود دارد یا از این جهت که ابزاری در جهت افزایش لذت یا کاهش درد هستند مطلوب می‌باشند (میل، ۱۴۰۳، ۵۷).

از منظر جان استوارت میل این معیار رفتاری بیشترین میزان خوشبختی برای بیشترین تعداد افراد ایجاد می‌کند و سعادت همگانی را رقم می‌زند. علاوه بر این موضوع، میل معتقد است تنها معیاری که می‌تواند به ما در شناساندن آن موضوع که چه چیز برای مردم دارای لذت است؟ این است که خود مردم آن را خواستنی و دارای لذت بدانند. اگر امر مطلوبی که فایده‌گرایی مطرح می‌کند در تئوری و عمل از سوی مردم به‌عنوان یک امر مطلوب مورد تأیید نباشد؛ هیچ چیز نمی‌تواند هیچ‌کس را متقاعد کند که آری چنین است. میل می‌گوید: «هیچ دلیلی نمی‌توان انگیخت که چرا شادی و خوشی عمومی مطلوب است، جز این که هر کسی خوشی و شادی شخص خود را در حدودی که آن را قابل دسترس می‌انگارد طالب است. این حقیقت، نه تنها تمام دلیلی است که ما می‌توانیم بر ادعای خود که خوشبختی خیر است، ارائه کنیم، بلکه

تمامی آن چیزی است که به‌عنوان دلیل می‌توانیم توقع داشته باشیم. خوشبختی هر کس برای شخص او خوب است و بنابراین، خوشبختی عمومی برای مجموعه اشخاص خوب است» (میل، ۱۴۰۳، ۱۱۰).

یکی دیگر از عناصر مهم فایده‌گرایی جان استوارت میل این است که وی در کنار لذات کمی بر لذات کیفی هم تأکید می‌کند. به عبارتی، او معتقد است برخی لذات به‌طور ذاتی برتر از لذات دیگر هستند و و باور دارد کیفیت لذات می‌تواند بر کمیت آن غلبه کند. او کیفیت لذت را امری انتزاعی یا ذهنی نمی‌داند بلکه آن را امری می‌داند که بر اساس تجربه انسانی سنجیده می‌شود. او می‌گوید صرف‌نظر از بزرگ‌تر بودن در مقدار دو لذت که نشان‌دهنده برابری این دو لذت در کمیت است، یکی از آن دو لذت می‌تواند به دلیل کیفیت، برتر از لذت دیگر باشد. او در این شرایط لذتی را برتر می‌داند که اکثریت قریب به اتفاق کسانی که هر دو لذت را تجربه کرده‌اند آن را ترجیح دهند و البته به این نکته تأکید می‌کند که این ترجیح نباید بر اساس وظایف اخلاقی باشد بلکه به‌طور کامل باید بر اساس لذت باشد.

او در ادامه استدلالش برای این که برتری کیفیت لذات را بر کمیت آن‌ها را نشان دهد ذکر می‌کند که اگر کسانی هر دو لذت را کامل بشناسند و حاضر باشند برای رسیدن به یکی از آن‌ها رنج و سختی بیشتر متحمل شوند و حاضر نباشند آن را با هر مقداری از لذت دیگر عوض کنند حتی اگر طبیعت‌شان به آن لذت دیگر تمایل داشته باشد، آن گاه برتری کیفیت لذات بر برتری کمیت آن‌ها ثابت می‌شود. به‌عنوان مثال، فرض کنید لذت فکری مثل حل یک مسئله فلسفی در مقابل لذت حسی مثل خوردن غذای خوشمزه قرار گرفته است. حتی اگر حل مسئله نیاز به ساعت‌ها تمرکز و خستگی داشته باشد و حتی اگر کسی بتواند با آن لذت فکری، صدها وعده غذایی لذت‌بخش را عوض کند، باز هم لذت فکری را ترجیح دهد، این نشان‌دهنده برتری کیفیت است. به عبارتی، میل درصدد اثبات این موضوع است که کیفیت چنان غلبه دارد که کمیت را ناچیز می‌کند. میل این لذت ترجیحی را لذت برتر می‌نامد. به عبارتی، کیفیت این لذات در این جا مثل یک وزن سنگین‌تر عمل می‌کند که کمیت را بی‌ارزش جلوه می‌دهد. در نهایت، میل نتیجه‌گیری می‌کند که انسان‌ها به لذات برتر توجه بیشتری بکنند تا لذات دیگر و معتقد است «انسان بهتر است سقراطی ناراضی باشد تا خوکی راضی» (میل، ۱۴۰۳، ۵۹).

نکته حائزاهمیت دیگر که فایده‌گرایی جان استوارت میل را متمایز می‌کند این است که، جان استوارت میل فایده‌گرایی را از یک اندیشه غیرمنعطف، مکانیکی و محاسبه‌گر خارج می‌کند و به احساسات انسانی

مانند وجدان، همدلی با دیگران و حس تعلق اجتماعی توجه می‌کند و این امور را در تصمیم‌گیری بر اساس اصل فایده دخیل می‌داند. به بیان دیگر، میل معتقد است که محاسبه لذت و رنج تنها به صورت ریاضی و کمی کفایت نمی‌کند، بلکه باید کیفیت لذت‌ها و نیز پیوند آن‌ها با سرشت اجتماعی و اخلاقی انسان در نظر گرفته شود. او معتقد است که در سرشت انسان نوعی پیوند اجتماعی وجود دارد که او را از حالت موجودی فردگرا و منزوی خارج می‌سازد. این پیوند در قالب وجدان، یعنی همان احساس درونی الزام به رعایت خیر و پرهیز از شر، خود را نشان می‌دهد. در نتیجه، فایده‌گرایی را فقط یک محاسبه بیرونی نمی‌داند بلکه آن را شامل یک فرایند درونی مطابق با طبیعت انسانی هم می‌داند (میل، ۱۴۰۳، ۹۶).

این احساسات انسانی در انسان این انگیزه را ایجاد می‌کنند که به سمت رفتارهایی که سعادت همگانی را به وجود می‌آورد حرکت بکند. به بیان دیگر، فایده‌گرایی میل بر این اصل استوار است که انسان‌ها با تکیه بر پیوندهای عاطفی و اجتماعی خود، به‌طور طبیعی می‌توانند در مسیر منفعت عمومی حرکت کنند و این پیوندها باید از طریق آموزش، پرورش و فرهنگ تقویت شوند. بنابراین، در نظریه او، ضمانت اجرای اخلاق صرفاً ترس از مجازات یا امید به پاداش نیست، بلکه رشد درونی شخصیت انسانی و پرورش احساس همبستگی و وجدان اخلاقی به‌عنوان عوامل درونی در ضمانت اجرای اخلاق نقش به‌سزایی را ایفاء می‌کنند.

آخرین ویژگی مهم فایده‌گرایی جان استوارت میل را می‌توان تعریف عدالت بر اساس اصل فایده دانست. یکی از اساسی‌ترین انتقادهایی که همواره به فایده‌گرایی وارد شده، این است که این نظریه می‌تواند حقوق فردی را فدای سود جمعی کند. به بیان دیگر، اگر قرار باشد در ترازوی محاسبه لذت و رنج، خوشبختی تعداد بیشتری از افراد با نقض حقوق یک فرد تأمین شود، آیا فایده‌گرایی چنین اقدامی را توجیه خواهد کرد؟ منتقدان استدلال می‌کردند که این نگاه، ممکن است راه را برای توجیه بی‌عدالتی‌های آشکار هموار کند؛ مانند مجازات یک فرد بی‌گناه برای آرام کردن افکار عمومی یا سلب مالکیت خصوصی به نام منفعت عمومی.

میل به این انتقاد بنیادی پاسخ می‌دهد. او معتقد است که اصول عدالت و حقوق افراد در نهایت بر پایه اصل فایده توجیه می‌شود اما نه به‌عنوان چیزی فرعی یا کم‌اهمیت، بلکه به‌عنوان بخش اصلی و ضروری آن. به عبارت دیگر، عدالت زیرمجموعه‌ای از فایده‌گرایی است و به واسطه اهمیت فوق‌العاده‌ای که در تضمین حقوق فردی افراد ایفاء می‌کند، جایگاهی برتر میان الزامات اخلاقی دارد. او می‌گوید: «عدالت

نامی است برای برخی الزامات اخلاقی که در مقیاس سودمندی بالاتر قرار دارند و بنابراین مهم‌تر از هر چیز دیگری هستند» (میل، ۱۴۰۳، ۱۶۱).

این یعنی رعایت عدالت نه تنها خوب است، بلکه برای افزایش خوشبختی همگانی ضروری است؛ چون بدون امنیت حقوق فردی مانند مالکیت و آزادی، خوشبختی پایدار ممکن نیست. از دیدگاه میل، حق چیزی است که جامعه انتظار دارد از آن دفاع کند؛ یعنی صرفاً یک ادعای اخلاقی فردی نیست، بلکه یک بدهی اجتماعی است که حفاظت از آن امنیت و اعتماد عمومی را تضمین می‌سازد. نقض حقوق فردی، بی‌اعتمادی و هرج‌ومرج به بار می‌آورد و در بلندمدت خوشبختی جمعی را نابود می‌کند. بنابراین، پاسداری از حقوق و اجرای عدالت نه فقط از سر دلسوزی یا اخلاق‌گرایی، بلکه به‌مثابه ضرورتی برای پیشینه‌سازی سعادت عمومی توجیه می‌شود. در نتیجه، عدالت از منظر جان استوارت میل نه یک اصل مستقل است و نه یک امر فرعی و بی‌اهمیت. بلکه بخشی درونی از فایده‌گرایی است که نقش حیاتی در حفظ ساختار جامعه و تضمین سعادت پایدار دارد. این دیدگاه فایده‌گرایی را از یک نظریه بی‌رحم نجات می‌دهد و به یک نظریه انسانی منطبق با سرشت و احساسات انسانی بدل می‌کند.

حال که یک تصویر کلی از فایده‌گرایی جان استوارت میل کسب کردیم، در پایان این بخش فایده‌گرایی بنام و جان استوارت میل را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نظر به شکل ملموس‌تر مشاهده شود. شباهت‌هایی که در نظرات هر دو فیلسوف بزرگ می‌توان مشاهده کرد این است که هر دو فیلسوف فایده‌گرا اصل بنیادین اخلاق را بر بیشترین خوشبختی برای بیشترین تعداد افراد بنا نهاده‌اند و معتقدند معیارنهایی درستی یا نادرستی یک عمل، پیامد آن در ایجاد لذت و کاهش رنج است. همچنین، هر دو نفر می‌کوشند اخلاق را از امری ذهنی و مبهم که اغلب در قالب اصول کلی یا دستورات مطلق مطرح می‌شود، بیرون آورند و آن را به معیاری عینی و قابل ارزیابی بدل کنند.

از نگاه فایده‌گرایان، ارزش اخلاقی یک رفتار نه در نیت‌های پنهان و نه در قواعد ثابت و تغییرناپذیر، بلکه در نتایج ملموس و پیامدهای واقعی آن برای زندگی انسان‌ها معنا پیدا می‌کند. به این ترتیب، اخلاق به عرصه‌ای عملی و قابل سنجش وارد می‌شود؛ جایی که می‌توان با بررسی میزان لذت و رنجی که یک عمل تولید می‌کند، درباره درست یا نادرست بودن آن قضاوت کرد. این رویکرد سبب می‌شود فایده‌گرایی نه تنها یک نظریه فلسفی، بلکه ابزاری کاربردی برای

سیاست‌گذاری اجتماعی، قانونگذاری و حتی تصمیم‌گیری‌های روزمره باشد.

در کنار این شباهت‌ها تفاوت‌های مهمی هم در نظرات میل و بنتام وجود داشت که آن‌ها را ذکر خواهیم کرد. نگاه بنتام به فایده‌گرایی کاملاً کمی و محاسبه‌گرایانه بود. او معتقد بود که لذت‌ها و رنج‌ها را می‌توان همچون کمیت‌های ریاضی اندازه‌گیری و با هم مقایسه کرد. برای این منظور، بنتام حساب لذت را پیشنهاد داد که در آن عواملی همچون شدت، مدت، قطعیت و نزدیکی لذت‌ها در نظر گرفته می‌شدند. در نگاه او، تمام لذت‌ها از یک جنس‌اند و تنها در کمیت با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین، لذت خوردن یک غذای خوشمزه یا مطالعه یک کتاب فلسفی، در اصل تفاوتی ندارند و تنها می‌توانند بیشتر یا کمتر باشند.

در مقابل، جان استوارت میل ضمن پذیرش اصل بنیادین فایده‌گرایی، بر این باور بود که نظریه بنتام بیش از حد مکانیکی است. او با افزودن عنصر کیفیت به نظریه، تحول بزرگی ایجاد کرد. میل استدلال می‌کند که برخی لذت‌ها ذاتاً برتر از لذت‌های دیگرند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً با معیار کمیت سنجید. از دید او، لذات فکری، هنری و معنوی، برتر از لذات جسمانی‌اند و این برتری را می‌توان از طریق داوری کسانی که هر دو نوع لذت را تجربه کرده‌اند، سنجید. به بیان دیگر، برای میل لذت سقراطی ناراضی بودن ارزشمندتر از خوکی راضی بودن است، زیرا کیفیت لذات می‌تواند کمیت را کنار بزند.

تفاوت دیگر این دو فیلسوف در توجه به بعد انسانی است. بنتام فایده‌گرایی را بیشتر محاسبه‌ای و بر پایه نفع فردی می‌دید، اما میل بر وجدان، همدلی و حس اجتماعی انسان‌ها تأکید می‌کند. او با وارد کردن این ابعاد عاطفی و اجتماعی، فایده‌گرایی را از حالت خشک و کمی بیرون می‌آورد و آن را با طبیعت انسانی هماهنگ‌تر می‌سازد. در پایان، بنتام به دلیل نگاه صرفاً محاسبه‌ای به لذت‌ها متهم بود که حقوق فردی را فدای سود جمعی می‌کند. اما میل با وارد کردن عدالت به فایده‌گرایی نشان داد که حفظ حقوق فردی برای سعادت عمومی ضروری است. بنابراین، هرچند هر دو بر اصل بیشترین خوشبختی تأکید دارند، نظریه بنتام کمیتی و محاسباتی است، درحالی‌که نظریه میل با توجه به کیفیت لذات، وجدان و عدالت انسانی‌تر و عمیق‌تر به نظر می‌رسد.

با توجه به که حالا تصویری واضح از فایده‌گرایی میل داریم در ادامه بر اساس فایده‌گرایی‌اش خوانش از منفعت عمومی ارائه خواهیم داد. منفعت عمومی از منظر جان استوارت میل پیشینه‌سازی خوشی و رفاه

برای همه اعضای جامعه است. برای تحقق این هدف لوازمی نیاز است. اولین لازمه این موضوع حفظ آزادی‌های فردی است. در اندیشه میل، آزادی فردی بخشی جدایی‌ناپذیر از منفعت عمومی است. او در کتاب «درباره آزادی» اصل مهمی را بیان می‌کند: هر فرد آزاد است آن‌گونه که می‌خواهد زندگی کند، مگر آن که به دیگران آسیب برساند (میل، ۱۴۰۰، ۲۷).

این اصل هم‌زمان دو کارکرد دارد: از یک سو آزادی فرد را تضمین می‌کند و از سوی دیگر به نفع کل جامعه است، چون در درازمدت رفاه و سعادت جمعی را تقویت می‌نماید. آزادی‌های فردی از چند جهت با منفعت عمومی پیوند دارد. به‌عنوان مثال، آزادی به انسان‌ها امکان می‌دهد استعدادها و توانایی‌های شان را پرورش دهند و جامعه‌ای که افرادش بتوانند آزادانه فکر و عمل کنند، خلاق‌تر و کارآمدتر خواهد بود. همچنین، آزادی بیان به جامعه اجازه می‌دهد که خطاها آشکار شوند و حقیقت از دل گفت‌وگوها بیرون بیاید. محدود کردن آزادی ممکن است آرامش ظاهری ایجاد کند، اما جامعه را در جهل و رکود نگه می‌دارد. افزون بر این، آزادی انتخاب حس مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند، زیرا وقتی افراد در انتخاب‌های شان آزاد باشند، پیامدهای انتخاب را نیز می‌پذیرند و این امر جامعه‌ای پایدارتر می‌سازد. میل هشدار می‌دهد که خطر استبداد اکثریت همیشه وجود دارد. اگر اکثریت آزادی‌های اقلیت‌ها را سرکوب کند، حتی اگر به نام منفعت عمومی باشد، در حقیقت منفعت عمومی قربانی شده است. جامعه‌ای که آزادی را محدود کند شاید در کوتاه‌مدت آرام به نظر برسد، اما در بلندمدت از رشد فکری و اخلاقی بازمی‌ماند.

دومین لازمه تحقق منفعت عمومی از منظر میل توجه به لذات با کیفیت برتر است. میل معتقد است این لذات ارزش بیشتری دارند. زیرا انسان را به رشد شخصیتی، خودآگاهی و شکوفایی استعدادها نزدیک می‌کنند. در مقابل، لذت‌های کمی بیشتر به نیازهای جسمی یا لذت‌های حسی مربوط می‌شوند، مانند خوردن، نوشیدن یا سرگرمی‌های صرفاً فیزیکی. میل نمی‌گوید این لذت‌ها بی‌ارزش‌اند، اما تأکید می‌کند که آن‌ها در مقایسه با لذت‌های برتر جایگاه پایین‌تری دارند. این تمایز برای بحث منفعت عمومی اهمیت اساسی دارد. جامعه‌ای که تنها به تأمین لذت‌های کمی بسنده کند، هرچند ممکن است سطحی از رفاه و آسایش ایجاد کند، اما انسان‌ها را از ظرفیت‌های والاترشان محروم می‌سازد. برعکس، جامعه‌ای که فرصت دسترسی به لذت‌های برتر را فراهم می‌کند از طریق آموزش عمومی، آزادی اندیشه، دسترسی به هنر و

فرهنگ و تشویق به مشارکت اجتماعی نفع عمومی واقعی را تحقق می‌بخشد. چرا که منفعت عمومی از نظر میل تنها در مجموع لذت‌ها نیست، بلکه در کیفیت آن‌ها نیز نهفته است.

از این رو، نقش دولت و جامعه در تحقق منفعت عمومی تنها این نیست که شرایط لذت‌های ساده و فوری را فراهم کنند، بلکه باید امکان رشد فکری و اخلاقی افراد را نیز ایجاد کنند. مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، رسانه‌های آزاد، مراکز هنری و حتی آزادی سیاسی همه ابزارهایی هستند که به انسان‌ها دسترسی به لذت‌های برتر می‌دهند و در نتیجه منفعت عمومی را تقویت می‌کنند (میل، ۱۴۰۰، ۶۰).

آخرین بایسته برای تحقق منفعت از منظر میل را می‌توان دموکراسی دانست. جان استوارت میل معتقد بود که منفعت عمومی تنها محدود به تصمیم‌گیری‌های دولت برای مردم نیست. از نظر او، مشارکت فعال مردم در سیاست و امور اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیر تحقق رفاه جمعی و منفعت عمومی است (Mill, 1861, 53). این مشارکت چند نقش کلیدی دارد ابتدا، مشارکت مردم باعث رشد فردی و پرورش شخصیت شهروندی می‌شود. وقتی افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها و اداره جامعه نقش داشته باشند، مهارت‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی خود را تقویت می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند مسائل را تحلیل کنند، پیامد تصمیمات را بسنجند و برای تصمیم‌گیری‌های جمعی مسئولیت بپذیرند. این تجربه فعال باعث می‌شود شهروندان باهوش‌تر، مسئول‌تر و متفکرتر شوند.

دوم، مشارکت گسترده مردم باعث کیفیت بالاتر تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌شود. وقتی تنها گروه کوچکی تصمیم‌گیری کنند، احتمال خطا و تصمیمات ناعادلانه بیشتر است. اما وقتی مردم در فرایندها شرکت می‌کنند، دیدگاه‌ها و تجربه‌های متنوع وارد تصمیم‌گیری می‌شود و نتیجه نهایی به نفع کل جامعه خواهد بود. به بیان میل، جامعه‌ای که مشارکت شهروندانش را محدود کند، هرچند ممکن است به نظر آرام برسد، در واقع از خرد جمعی و قدرت حل مشکلات واقعی محروم است. مثالی ملموس از این دیدگاه، حق رأی و انتخابات آزاد است. وقتی مردم حق رأی دارند و می‌توانند نمایندگان خود را انتخاب کنند، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه پیدا می‌کنند. آن‌ها بهتر می‌فهمند که تصمیمات سیاسی بر زندگی خودشان و دیگران تأثیر دارد و در نتیجه رفتار شهروندی فعال‌تر و مسئولانه‌تری از خود نشان می‌دهند. این حس مسئولیت‌پذیری، خود بخشی از منفعت عمومی است، زیرا هم انسجام اجتماعی را

افزایش می‌دهد و هم کیفیت تصمیمات جمعی را بهتر می‌کند (mill, 1861, 55).

در نهایت، از نظر میل، دموکراسی و مشارکت مردم چرخه‌ای حمایتی با رشد فردی و رفاه جمعی ایجاد می‌کنند: مشارکت باعث توسعه توانایی‌ها و مسئولیت‌پذیری فردی می‌شود و این رشد فردی به تصمیم‌گیری بهتر و تحقق رفاه جمعی منجر می‌گردد. در نتیجه، از نظر جان استوارت میل، منفعت عمومی تنها به جمع لذت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه تحقق آن نیازمند سه عنصر کلیدی است: حفظ آزادی‌های فردی، دسترسی به لذت‌های با کیفیت برتر و مشارکت فعال مردم در امور سیاسی و اجتماعی.

آزادی‌های فردی باعث رشد فکری و اخلاقی شهروندان می‌شوند، لذت‌های برتر کیفیت زندگی و رفاه واقعی را ارتقاء می‌دهند و مشارکت مردم به تصمیم‌گیری بهتر و افزایش مسئولیت‌پذیری جمعی منجر می‌شود. در نهایت، این سه عنصر با هم چرخه‌ای حمایتی ایجاد می‌کنند که رفاه پایدار و منفعت واقعی جامعه را تضمین می‌کند. نگاه میل به منفعت عمومی که انسان در بستر جامعه موضوعیت دارد، برای جوامعی که به اسم منفعت عمومی حقوق و آزادی‌های آن‌ها در معرض تضییع هست و همچنین برای جامعه‌ای که با خطر اتمیزه شدن جامعه همراه است دارای نکات ارزشمندی است. زیرا هم‌زمان به حفظ و تأکید حقوق و آزادی‌های فردی تأکید دارد و هم به حس تعلق انسان به جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند اصرار می‌ورزد و مسیر سعادت همگانی و تحقق منفعت عمومی را در این دو می‌بیند.

نتیجه

در این پژوهش سعی شد با نگاهی تاریخی و تحلیلی به معنا و مفهوم منفعت عمومی با تأکید بر منفعت عمومی بر اساس فایده‌گرایی جان استوارت میل پردازیم. منفعت عمومی از نظر جان استوارت میل بیشینه‌سازی خوشی و رفاه برای همه اعضای جامعه است. میل برای تحقق این موضوع را در گرو سه لازمه حفظ حقوق و آزادی‌های فردی، توجه به لذات برتر و دموکراسی می‌داند. فایده‌گرایی واقع‌بینانه و منطبق با سرشت انسان میل در مقابل فایده‌گرایی کمی، خشک و محاسبه‌گرایانه بنتام قرار می‌گیرد. فایده‌گرایی میل هم‌زمان به حفظ حقوق و آزادی‌های انسان و تعلق انسان به جامعه‌اش تأکید دارد. این نکته برای جوامعی که با استبداد درگیرند دارای نکته باارزشی است. استبداد درحالی که هم باعث تضییع حقوق افراد می‌شود، خطر اتمیزه شدن جامعه را هم افزایش می‌دهد. در نتیجه، برای عقب راندن استبداد و تحقق

سعادت همگانی و منفعت عمومی لازم است هم‌زمان برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و تقویت تعلق اجتماعی و همبستگی مبارزه کرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بنتام، جرمی، ۱۴۰۲، **مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانونگذاری**، ترجمه علی قنبریان، چاپ اول، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان.

- پورعزت، علی اصغر؛ دمرچی‌لو، مریم؛ کیانی، پاک‌نوش، ۱۳۹۷، شاخص‌های مفهوم‌پردازی از اصطلاح منفعت عمومی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی ایران**، شماره ۲.

- راسخ، محمد و بیات کمیته‌کی، مهناز، ۱۳۹۰، مفهوم مصلحت عمومی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۶.

- عباسی، بیژن، ۱۴۰۳، **حقوق اداری**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دادگستر.

- کنی، آنتونی، ۱۴۰۳، **تاریخ فلسفه غرب**، جلد چهارم، ترجمه رضا یعقوبی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات پارسه.

- میل، جان استوارت، ۱۴۰۰، **درباره آزادی**، ترجمه محمود صناعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- میل، جان استوارت، ۱۴۰۳، **فایده‌گرایی**، ترجمه مرتضی مردی‌ها، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات نی.

لاتین

- Córdoba, M. B. F. de., 2010, Public interest in political philosophy: A necessary ethical and regulatory concept for territorial planning. *Boletín de la Asociación de Geógrafos Españoles*, 53.

- Dolan, T. E., 2018, Aristotle on the common good. Politics & Philosophy and Economics, University of Pittsburgh.
- Gunn, J. A. W., 1968, Jeremy Bentham and the public interest. Canadia Journal of Political Science / Revue canadienne de science politique, 1 (4).
- Mill, J. S., 1861, Considerations on representative government. London: Parker, Son, and Bourn.
- Palmén, R., 2024, Medieval monastic ideas of the compatibility between the individual and the common good. In H. Haara & J. Toivanen (Eds.) , Common Good and Self-Interest in Medieval and Early Modern Philosophy.
- Simm, K., 2011, The concepts of common good and public interest: From Plato to biobanking. Cambridge Quarterly of Healthcare Ethics, 20 (4).

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumarsi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri